

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن بر زبان آفرین

شانه به شانه‌ی باران

(مجموعه‌ی دل‌گویه‌های سپید)

با تقدیم از جعفر سید

مریم فرامرزی تبار

تصویرگر: بیتا حسینی



انتشارات آشنایی

سرشناسه: فرامرزی تبار، مریم، ۱۳۷۷-
 عنوان: شانه به شانه‌ی باران (مجموعه‌ی دل‌گویه‌های سپید)
 نام پدیدآور: مریم فرامرزی تبار با مقدمه‌ی جعفر سید، تصویرگر: بیتا حسینی
 مشخصات نشر: تهران: آشنایی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص.
 شابک: 978 - 600 - 6960-94-4
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: مجموعه‌ی شاعرانه‌های سپید
 عنوان دیگر: مجموعه‌ی دل‌گویه‌های سپید
 موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴
 موضوع: Persian Poetry - - 20 th Century
 سناس: روده: سپید، جعفر، ۱۳۳۶-، مقدمه نویسنده: شناس: افزوده: حسینی، بیتا، ۱۳۶۸-، تصویرگر: روده‌بند: کنک: ۵: ۱۳۹۷ ش ۲، PIR ۸۳۵۶/۲
 روده‌بندی: بی: ۱۰۶۲
 شماره‌ی ثبت: سی ملی: ۵۰۰۰۶۷۹



شارات آشنایی

- نام کتاب: شانه به شانه‌ی باران (مجموعه‌ی دل‌گویه‌های سپید)
- پدیدآور: فرامرزی تبار مریم با مقدمه‌ی جعفر سید
- ناشر: انتشارات آشنایی
- طراح جلد و تصویرگر: بیتا حسینی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۴-۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸

نشانی تهران - صندوق پستی ۳۳۹۹ - ۱۵۸۱۵ - انتشارات آشنایی
 شعبه سمنان - خیابان شهید مطهری، خیابان صاحب الامر (عج)، پلاک ۳۱
 تلفن مرکز پخش: ۱۹ ۸۸ ۱۶ ۳۳ - ۲۱ - ۰۲۱ / ۳۷۰ ۹۲ ۸۴ / ۰۹۱۲

Email : ashnaei_pub @ yahoo.com

فهرست

صفحه	عنوان
۷	طبع دلپذیر شعر (مقدمه‌ی جعفر سید)
۸	شان، به شانه، باران
۱۱	لبخند چهره‌ها
۱۲	چشم‌هایم هنوز به تو مقید است
۱۳	وداع عاشقانه
۱۵	پاییز
۱۶	همدست باران!
۱۷	تغییر فصل
۱۸	حواس قافیه را پرت می‌کنم
۱۹	شب نشینی شعر
۲۰	موزون و ناموزون
۲۱	بغض واژه‌ها
۲۳	نوشته‌های بارانی

- گذشته، «حال» نداشته! ۲۵
- ردپای چشم‌هایت ۲۷
- کوک ساعت ۲۹
- پیر می‌شوی بی‌عشق ۳۰
- مرگ عقربه ۳۳
- شهراد و بی‌باران ۳۶
- قطع رابطه ۳۹
- فعل رفتن ۴۱
- لب خوانی لرزان ۴۲
- چوب صندلی ۴۴
- مدیون عشق ۴۶
- بدرقه‌ی شعر ۴۹
- هجمه ۵۱
- همه چیز نو می‌شود! ۵۳
- زودتر بیا ۵۶
- تپش ستاره‌ها ۵۷
- کوچ ۵۹

۶۱ فال و خیال

۶۳ اشک بیت‌ها

۶۵ از پشت شیشه

۶۷ اسفند و بهار

۶۹ چشم‌ها

۷۱ لباس نری هر پارس

۷۳ از تو می‌نویسم

۷۶ یک سال بزرگ‌تر از ارد

۷۸ تار عشق

۸۰ چه خوب که نیامدی

۸۳ رد پای ساحل

۸۶ بد خواب

۸۹ بازخواست باران

۹۱ زمین و زمان

۹۴ اقلیم دل

۹۵ چشم مهتاب

۹۷ شب زنده داری ماه

۹۹	 نقطه‌ی عشق
۱۰۲	 پادرمیانی
۱۰۴	 عبادت بارانی
۱۰۶	 فال چشم
۱۰۹	 شعر رونده
۱۱۱	 گند اعدا در ایش
۱۱۴	 بهار از
۱۱۶	 رنگ خاطر
۱۱۸	 مثل جای سرد
۱۲۱	 آخرین نفس خیابان
۱۲۳	 پیش از تو
۱۲۶	 هوایت را «هی» می‌کشم
۱۲۸	 کفش بندی و کفش چسبی
۱۳۰	 نفس‌های تند
۱۳۳	 بغض‌های ابر
۱۳۵	 خلسه‌ی شمعدانی

طعم دلپذیر شعر

هنگامی که این مجموعه به دستم رسید و به بررسی احتمالی آن پرداختم و تعبیر ترکیب‌های جالب آن را دیدم، رنگ تصور نداشتم که با اثری متفاوت از آثار دیگر پدیدآوران روبرو حاسته مواجه شوم.

نگارنده‌ی جوان و ارجمند این کتاب هیچ به ارزش هنر سخن غیر مستقیم نرسد در خلاقیت استفاده از انواع تعبیر کنایی، تشبیهات و تمثیل‌های استفاده شده واقف نبود و به گمانش این واگویند نثری اتفاقی هستند که به ذهنش رسیده‌اند. با نگاهی به زبان زیباتر دریافتم که سخنش طعم دلچسب شعر دارد. آن‌سم اچاشنی غلیظ ناب‌ترین استعاره‌ها و نمادها و تمثیلات ادبی، به گویای که به جرأت می‌گویم صاحب سبک شخصی با زبان روز است. اگر قدر هنر خود را بداند و در آینده به مضامین و معانی و مضامین بهتر و بالاتری بیندیشد، بی‌شک می‌تواند در عرصه‌ی سخن حضوری مانا و تأثیرگذار داشته باشد.

این فرزند مستعد ایران زمین، دختر جوانی از اصفهان، قلب میهن، نه در کلاس شعر حضور داشته و نه عضو انجمن ادبی شهر و منطقه‌ای بوده و نه تحصیل دانشگاهی وی مرتبط با ادبیات بوده و نه خانواده و فامیلش ادعای ادبیات و شاعری

داشته‌اند و نه کسی جز دوستان همکلاشش دفتر او را خوانده که به قریحه‌اش پی ببرند. و چه خوب که بیراهه نرفته است.

تنها خرید یک کتاب شعر از این نشر، و ملاحظه‌ی استقبال این انتشارات از آثار نوقلمان بهانه‌ای شد تا او هم ناباور و مردد ابراز کند که نوشته‌هایی دارد و بخشی را نامطمئن به مفید بودنش بفرستد و این شروعی بود که پس از ارزیابی از وی خواسته شد که اثر خود را جدی قلمداد کند.

در این موفقیت به ظاهر بی‌پشتوانه چیست؟ قطعاً در این امر محنت و گوی روزانه‌ی پدر و مادر و بستگان نزدیک وی همراه با امتیازات و تشبیهات و تعبیر شاعرانه بوده است که از فرهنگ اصیل قریم، قویم دیارشان بهره گرفته‌اند. آنان هیچ کدام ادعای هر شیء و ادبیات نداشته‌اند اما سخنشان مشحون از لطایف و ظرایف است. من خود کسانی را در جامعه به هنگام صحبت دیده‌ام که هر جمله‌ی آنان چندین آرایه‌ی سخن دارد. به برخی از اصطلاحات و کنایات وی توجه کنید:

اشک کسی را در آوردن، کم آوردن، رنگ باختن، از زیر زبان کشیدن، گوش چسباندن، زبان بستن، دست رو شدن، تمام آتش شدن، پُر بودن گوش، دست و دل به خنده نرفتن و ...

برای مریم فرامرزی تبار این پدیدآور بی‌ریا، آرزوی آتی‌های روشن دارم و امید است این اثر بتواند انگیزه‌ی مضاعفی برای مطالعه و حرکت هدفمند و موفقیت آمیز وی ایجاد کند.